

چاپ هفتم

جلد سوم

# گفتگو با خدا

نیل دونالد والش / توراندخت تمدن (مالکی)

می دانم که باید با تو بگویم  
و همه چیز را از تو بخواهم . . .



ketabTala

# گفت و گو با خدا



نیل دونالد والش  
توراندخت تمدن (مالکی)



نشر دایره

Walsch, Neale Donald

والش، نیل دونالد

گفتگو با خدا / نیل دونالد والش؛ [مترجم] توراندخت تمدن (مالکی).

تهران: دایره، ۱۳۷۸-۱۳۸۲.

ISBN: 978-964-6839-04-5 (ج. ۱)

ج. ۳

ISBN: 978-964-6839-32-0 (ج. ۲)

ISBN: 978-964-6839-57-6 (ج. ۳)

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

عنوان اصلی: Conversation with God: an uncommon dialogue

کتابنامه.

ج. ۱ (چاپ دوازدهم ۱۳۸۵).

ج. ۲ (چاپ نهم ۱۳۸۵).

ج. ۳ (چاپ هفتم ۱۳۸۵).

۱. خدا. ۲. زندگی معنوی -- مسائل متفرقه. ۳. مکالمه تخیلی. ۴. والش.

نیل دونالد Walsch, Neal Donald الف. تمدن، توراندخت (مالکی). ۱۳۱۸-

، مترجم. ب. عنوان.

۱۳۳ / ۹۳

گ ۲ و / ۱۹۹۹ BF

۱۳۷۸

م ۷۸-۱۴۲۰۷

کتابخانه ملی ایران

نام کتاب : گفتگو با خدا (جلد سوم)  
نویسنده : نیل دونالد والش  
مترجم : توراندخت تمدن (مالکی)  
ناشر : دایره  
نوبت چاپ : هفتم  
تیراژ : ۲۰۰۰ جلد  
حروفچینی : گروه انتشارات دایره  
چاپ : میران  
صحافی : سیاره

مرکز پخش: خاتون، تلفن: ۶۶۴۹۱۴۸۸ و ۰۹۱۲۱۲۲۱۴۴۲

تهران- صندوق پستی ۳۹۶-۱۵۷۴۵

www.dayerehgroup.com

سپاس خدایی را که اول است و پیش از او اولی نبود و آخر اوست و پس از او آخری نباشد. خدایی که دیده‌های بینندگان از دیدنش ناتوانند و اندیشه‌های وصف‌کنندگان از عهده وصفش بر نیابند. به قدرت و توانایی خود آفریدگان را آفرید، و آنان را به اراده و خواست خویش به وجود آورد، بی آن که از روی مثال و نمونه‌ای باشد. سپس آنان را در راه اراده و خواست خویشتن روان گردانید. و در راه محبت و دوستی به خود برانگیخت... و از رزقی که عطا فرموده هر جاننداری را روزی معلومی قرار داده است. پس از آن برای او در زندگی مدتی معلوم تعیین و پایانی معین قرار داده که با روزهای زندگی به سوی آن پایان، گام بر می‌دارد... تا چون به پایانش نزدیک شود... او را به آنچه خوانده از پاداش سرشار یا کیفر ترسناک خود فرا گیرد. و این جزا با عدالت و درستی از اوست... نعمتها و بخششهایش پی‌درپی است... از او نپرسند آنچه را که به جا می‌آورد و از دیگران باز پرسند... و سپاس خدای را که خویشتن را به ما شناساند و شکر و سپاس خود را به ما الهام نمود. و درهای علم به ربوبیت و پروردگاری‌اش را بر ما گشود. در توحید و یگانگی‌اش راهنمایی‌مان فرموده و از عدول و کجروی و شک در امر خود دورمان ساخت... سپاسی که به آن از آتش دردناک خدا رسته، به جوار رحمتش رهسپار شویم. سپاسی که به آن شانه به شانه مقربان از فرشتگان رفته، جا را بر آنها تنگ سازیم و به آن در سرای جاودانی... با پیغمبران و فرستاده‌اش گرد آییم. و سپاس خدایی را

که نیکویی‌های آفرینش را برای ما برگزید، و روزیهای پاکیزه را برای ما روان گردانید، و با تسلط و توانایی، ما را بر همه آفریدگان برتری داد. و سپاس خدایی را که در نیازمندی را جز به سوی خود، به روی ما بست... و ما را از نعمتهای زندگی بهره‌مند نمود... و سپاس خدای را که ما را به توبه و بازگشت راهنمایی نمود، توبه‌ای که آن را نیافته‌ایم جز به فضل و احسان او... پس بدبخت از ما کسی است که او را نافرمانی نماید، و نیکبخت از ما کسی است که به او رو آورد... پس او را است سپاس به جای هر نعمتی که بر ما و بر همه بندگان گذشته و مانده‌اش دارد... سپاسی که حد آن را انتها... نیست. سپاسی که موجب... خشنودی و وسیله آمرزش... و پناه از عذاب... و جلوگیری از معصیت... باشد. سپاسی که به وسیله آن در بین نیکبختان و دوستان او کامروا گردیم... که خدا یاری‌دهنده (مومنین) و (در خوشی و سختی) ستوده شده است.

از صحیفه سجادیه

دعای یکم از دعا‌های صحیفه در ستایش خدای عزوجل

## پیشگفتار مترجم

به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست

عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست

از شما می‌خواهم نه به عنوان یک ارزیابی بلکه به عنوان ابدهای نو، و تجربه‌ای جدید، به این اثر نگاه کنید.

در دنیا نظریه‌های بسیار گوناگونی هر روز ارائه و منتشر می‌شود که با موازین ما (مذهبی، فکری، سیاسی، اجتماعی) نمی‌خواند، ولی خوب است انسان همه نظریه‌ها را بداند، بشنود و مطالعه کند، و در نهایت خودش تصمیم گیرنده باشد. بسیاری از مطالبی که در این کتاب آمده، برقراری ارتباط پروردگار با بندگانش، رساندن پیام به طریقی به بنده‌اش، بارها و بارها برایم پیش آمده و آن را شخصاً تجربه کرده‌ام.

همانطور که می‌دانید ذات احدیت را به آن صورتی که هست هرگز کسی ندیده و تجربه نکرده، ولیکن پروردگار به صورت‌های گوناگون بر بنده‌اش ظاهر شده و نظرش را به گوش او رسانده است. گاهی بزرگانی چون مولوی، حافظ، سعدی و اندیشمندان بسیار دیگر، به دلیل صافی ذهن و روح و بینش پاک و خالی از آلاچی که داشته‌اند نه تنها مظاهر حق بلکه حضور او را در همه

کس حس و تجربه کرده‌اند. برای برخی از افراد عامی و معمولی، به علت تیرگی ذهن و وابستگی‌های مادی و ناخالصی روح، این تجربه و حس کم و گاهی غیر ممکن بوده است، ولی اگر من در جایی، زندگی می‌کنم که خورشید را نمی‌بینم، دلیل نمی‌شود که وجودش را انکار کنم.

تابش انوار حق به قدری مسلم، حتمی و اجتناب‌ناپذیر است که هر بندهٔ ناتوانی که دارای اندکی بصیرت، آگاهی، دانش و پویایی است می‌تواند آن را در کل عالم هستی، در نسیم عطر آگین بهاری، در لطافت و طراوت گل‌های صحرائی، در شمیم گل سرخ، در ذره‌ذره ظواهر اعجاب‌انگیز آفرینش، در شُرُشُر آب، در نگاه معصوم یک کودک زیبا، در عجایب خلقت، در کنهٔ همهٔ آثار حیات، در پرواز بدیع پرندگان و در نقش‌های حیرت‌انگیز طبیعت حس کند.

در این راستا فقط به یک چیز نیاز است، بینش و شهود، و همه مردم این ابزار را در اختیار دارند.

**فیض روح القدس از باز مدد فرماید**

**دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می‌کرد**

فقط یا ابزارشان زنگ زده و غبار گرفته، و یا به علت عدم استفاده گوشه‌ای بلا استفاده مانده است.

برای کسب آگاهی، هرگز دیر نیست. پروردگار ذاتی ازلی، ابدی و همه جا حاضر است، و شما را عاشقانه دوست دارد، و همیشه و همواره برای آن که انوار محبت، عنایت، کرامت و اینارش را به سوی شما بتاباند آماده است، (أَدْعُونِي اسْتَجِبْ لَكُمْ)!



برخی از عقاید مطرح شده در این کتاب واقعاً درخور تحسین و شایسته خواندن است. از جمله «اگر در زندگی به آنچه آرزو داری نمی‌رسی، به این دلیل نیست که خداوند نخواسته به دعاهای تو پاسخ دهد، بلکه به این علت است که آنچه تو فکر می‌کنی، می‌گویی و عمل می‌کنی بر خلاف چیزی است که آرزو داری به آن برسی.»

نویسنده عقیده دارد همه بلاها و مشکلاتی که امروز بشر با آن روبرو است، و در حل آن ناتوان مانده، به دست خود او به وجود آمده و نهایتاً توسط خود او قابل حل است. قحطی، جنگ و گرسنگی، آلودگی محیط، جنایت و بی‌عدالتی‌ها را خداوند بر بشر نازل نکرده، و حتی در شرایط بسیار دشوار کنونی، انسان قادر است یک روزه بر همه این مشکلات فائق آید، در صورتی که اراده کند و قلباً و عمیقاً بخواهد.

اینکه خداوند ندایش را به گوش بنده‌اش به انحاء مختلف می‌رساند، حقیقی است مسلم و اجتناب‌ناپذیر که به دفعات در زندگی شخصی‌ام پیش آمده و تجربه کرده‌ام. بارها سؤالی برآیم مطرح بوده، پیچ رادیو را باز کرده‌ام و پاسخم را از گوینده گرفته‌ام. به مجلس سخنرانی رفته‌ام و جوابم را از سخنران گرفته‌ام. برای نمونه، شب عید امسال (۱۳۷۶) در یکی از جلسات سخنرانی امیدبخش و پُر برکت جناب آقای دکتر حسین قمشه‌ای شرکت کرده بودم، با دلی از غم انباشته و قلبی تاریک از حوادث تلخ و مکرر چند ماه گذشته، و مغزی پر از چراها در گوشه‌ای نشسته بودم، آقای دکتر در نیمه‌های پایانی صحبت خود، مطالب زیر را بدون آن که کوچکترین اطلاعی از اندیشه و درد دل من داشته باشند مطرح



کردند.

«ما گاهی چون نمی‌توانیم کارهای خود را توجیه کنیم از خدا قهر می‌کنیم. در حالی که می‌توانیم به دامن بزرگانی چون مولانا پناه ببریم.»

### نگریزای جان ز بلای جانان

که تو خام مانی چو بلا نباشد

(ای بنده) فرار نکن تو بایستی این سختی‌ها را متحمل شوی. این سختی‌ها صیقل تو است مگر تو نمی‌خواهی آینه شوی. شفاف شوی. باید کسی تو را صیقل دهد، تو را با ابریشم که صیقل نمی‌دهند تو را باید با سنگ سمباده صیقل داد. تو نگران نباش، نگو من چکار کرده بودم که گرفتار این مشکلات شدم، این مقدمه‌ای بود. بعد می‌خواستم تو را بیاورم پهلوی خودم ولی تو در عالمی هستی که آگاهی‌ها برایت زیان دارد... ولی دلت باید قرص باشد. تو که سابقه رحمت مرا دیده‌ای. من به تو چشم دادم، گوش دادم، می‌بینی که مسیر حرکت تو را چه خوب تنظیم کرده‌ام... حالا اگر چهار روزی چیزی را منع کرده‌ام نگران نباش، با من قهر نکن، در خانه کس دیگری نرو. تو گناهی کردی به شکل دیگر. او برای آن سیاهی آن گناه را از تو بزداید احتیاج بود تو آن اشک را بریزی. این ترازدی برای پاک شدن تو است. ترازدی، برای پالایش روح است. برای آن که تو با آب چشم خودت غبار کینه‌ها و کدورت‌ها را شستشو دهی.

این گفته‌ها مثل آب سردی بود که رویم ریخته باشند. شرمسار از برخورد خشمگینانه خود با حوادث و سرافکننده از گله‌ای که از ذات باریتعالی در پنهان برده بودم، به منزل بازگشتم. البته نمونه بالا چون

بسیار صریح و روشن بود، به عنوان مثال ذکر کردم ولی همواره از وقتی خودم را شناختم زبان سعدی گویند احساسم به ذات احدیت بوده:

دوست نزدیک‌تر از من به من است

وین عجیب‌تر که من از وی دورم

چه کنم با که توان گفت که دوست

در کنار من و من مهجورم

تصورم بر این است که هر انسان عاقل و بالغی که آثار شگفت و اعجاب‌آور خلقت را در طول زندگی شاهد گردش چرخ عظیم فلک بوده، مسلماً احساسی شبیه من یا در مرتبه‌ای بالاتر احساسی ظریف‌تر و رقیق‌تر از من داشته است. غور کردن در یک‌یک آثار خلقت، از گردش شب و روز و حرکت سیارات گرفته تا بدایعی نظیر میلیاردها انسان، حیوان و جماد که هر یک از هر نظر منحصر به فرد و یکتا می‌باشند، حکایت از این دارد که در پس پرده، دست‌های پنهانی در کارند، تا توانی به کف آری و به غفلت نخوری.

آنچه نویسنده در طول این کتاب طی تصورات ذهنی و روحی خویش نگاشته و بر آن تأکید دارد، این است که هیچ چیز در عالم هستی به طور تصادفی و بی‌مقصد خلق نشده، و ضمناً ما مسؤول مسلم همه رخدادهایی هستیم که خواسته و ناخواسته برای ما اتفاق می‌افتد. به قول «بوسکالیا»، «هیچ برگی بر زمین فرو نمی‌ریزد مگر این که بر زندگی یک‌یک ما تأثیر بگذارد». فقط باید در رخدادها و موفقیت‌ها دقیق شد و دید، ما در جهت بهبود حوادث چه کاری می‌توانیم انجام دهیم، و چه قدمی می‌توانیم برداریم. در دنیای فعلی

اگرچه به ظاهر، خطوط ارضی کشورها و حدود و نفوس آنها، انسان‌ها را از هم جدا ساخته ولی این واقعیت هر روز به طور مسلم‌تری خود را نشان می‌دهد، که من (نوعی) به هیچ‌وجه نمی‌توانم، حتی اگر خودم بخواهم، از آن چه در آن سر دنیا بر سر یک طفل محروم افریقایی می‌آید، خود را جدا بدانم، و اینکه انسان‌ها مثل زنجیر به هم متصل هستند، و در سرنوشت یکدیگر نقشی مسلم و آشکار دارند، اکنون که ما خواسته و ناخواسته، در این پیوستار گرفتار آمده‌ایم، آیا بهتر نیست با قدری تعمق و تفکر در حد خود به فکر چاره باشیم و سهم خود را در بهبود عالم هستی پیدا کنیم؟ این شراکت جمعی از محیط خانه شروع شده، و تا آن سر دنیا می‌تواند تعمیم و ادامه یابد.

هر گامی که شما در محیط خانه در راه تأمین صلح و آرامش بر می‌دارید، و هر گونه تلاشی که در جهت تعالی و پیشرفت جسمی و روحی افراد خانواده، می‌کنید اثرات مثبت خود را بدون شک روی جامعه می‌گذارد و هدف‌های متعالی جامعه، تأثیرات مثبت خود را در سطح کشور متجلی می‌سازد، و اقدامات سازنده و انسان‌دوستانه هر کشوری، تأثیرات مثبت خود را در سطح جهانی نمودار می‌سازد، پس می‌بینیم که همه راه‌ها به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر و حیرت‌انگیز از ما شروع شده، و به ما ختم می‌شود. پس، از همین امروز تصمیم بگیرید که حتی در حد یک قدم هم که شده وظیفه انسانی و اجتماعی خود را در جهت پیشبرد هدف‌ها و مقاصد عالی و انسانی به انجام برسانید و مطمئن باشید که:

بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند.

۱۰۸

*Conversation with God*  
*Neal Donald Walsh*  
*III*



نشر دایره

تهران صندوق پستی ۱۵۷۲۵-۳۶۶

۱۴۰۰۰۰ تومان

شابک : ۹۶۴-۶۸۳۹-۵۷-۶  
ISBN 964 - 6839 - 57 - 6